انترناسیونال ۴۵۱

بازتاب هفته

یاشار سهندی

**صراحت در تمامیت ارضی، سکوت برسر رفاه مردم**

رضا پهلوی در آخرین بیانیه خویش "هم میهنان عزیز" را فرا خوانده تا برای "حفظ تماميت ارضی و يکپارچگی ايران، به پا خيزند و کشور را از اين بحران (دعوا بر سر جزایر سه گانه) که ناشی از وجود و دوام اين رژيم تنش آفرين و غيرمردمی است، نجات بخشند". شاید بتوان گفت "حفظ تمامیت ارضی" تنها خواسته روشنی است که امثال رضا پهلوی می گویند. یعنی اگر شما خودتان را هلاک کنید و زیر و روی تمام سخنرانی و مکتوبات ایشان را بگردید، محض نمونه یک جمله به صراحت پیدا نمی کنید که از رفاه مردم بگویند. مثلا بگویند این حق مردم است که یک زندگی مرفه برخوردار باشند و یا انسان از لحظه تولد باید زندگی اش تامین باشد. نه، امثال ایشان اینها را رویا میدانند، "رویاهای خطرناک"؛ اما حفظ تمامیت ارضی یک واقعیت مسلم و انکارناپذیر است که حتما باید به پایش خون ریخت. "چو ایران نباشد تن من مباد/ بدین بوم و بر زنده یک تن مباد". البته دلیل بسیار قانع کننده و امروزی تر هم دارند. میگویند اساسا اگر ایران نباشد اصلا همه دعواها، کشمشکهای سیاسی و جدال های مردم برای خواست هایشان هم بی مورد است و همه باید برای حفظ تمامیت ارضی کوشش کنیم! شما اگر از آنها بپرسید که اساسا برای "فردای ایران" چه برنامه ای دارید و به کجا میخواهید برسید. متواضعانه پاسخ خواهید شنید: "من کاره ای نیستم و هیچ وقت هم نخواسته ام خودم را به ملت بزرگ و شریف ایران تحمیل کنم" اگر بیشتر اصرار کنید چیز بیشتری نخواهند گفت بلکه تاکید میکنند "انتخاب با ملت است" و بلافاصله ادامه خواهند "با مجلس موسسان منتخب ملت است که حکومت آینده ایران را تعیین کنند." اگر پا توی یک کفش کنید بالاخره چی، برنامه شما برای رفاه مردم چیست؟ میشنوید: "ایرانی شایسته بهترین زندگی است، باید دست در دست هم کشور را آباد کنیم و خرابیهایی که نتیجه سیاستهای نابخردانه رژیم کنونی است و بر کشور تحمیل شده را بازسازی کنیم بعد درسایه امن یک حکومت قوی و البته منتخب ملت، کشور را به آنچه شایسته آن است، برسانیم." در مورد آزادیها سیاسی هم چیزی بیشتر از آنچه در مورد رفاه مردم گفتند نمی گویند. نهایت حرفی بزنند این است: "این حق مسلم است همه است که حرفشان را بزنند به شرط اینکه توهین نباشد، مانع پیشرفت و ترقی مملکت نگردد و..." خیلی دست و دل بازی که به خرج دهند، همه چیز را به بیانیه حقوق بشر سازمان ملل حواله میدهند. خوشبختانه یک سند دیگر از ۲۵۰۰ سال پیش هم هست که آنرا پشتوانه بیانیه حقوق بشر سازمان ملل میکنند تا همگان خیال شان آسوده باشد که آزادیهای سیاسی تضمین شده است. بهرحال انسان باید پشت گوشش را ببینند تا شاید (آنهم شاید) از دهان ایشان حرفی صریح درباره آزادی بشنود. اما در مورد تمامیت ارضی خیلی روشن و صریح حرف میزنند. یا خونشان به خاطر نام خلیج فارس به جوش آمده و تاکید میکنند ایران بزرگ ایشان آنجایی نیست که "رئيس جمهورش سخنرانی خود را به زبان تازی آغاز ميکند..." (بیژن صفت سری). البته اصطلاح "تازی" اصلا فحش و توهین نیست بلکه ادبی ترین اصطلاح در مورد "اعراب" است! بهرحال تمامیت ارضی اصلا شوخی بردار نیست. یعنی اول و آخر تکلیف این تمامیت ارضی باید روشن باشد و فرصتی برای رویاهایی همچون رفاه و آزادیهای سیاسی نمی ماند.

در منازعات بر سر آب و خاک" حتی نام مناطق جغرافیایی خاص، بهترین زمانی است که میتوان شاهد نمایش چهره کریه ناسیونالیسم بود. سخنگویان آن چه در قدرت باشند چه در اپوزیسیون حکومت، ذره ای گذشت در این مورد ندارند. چنان به صراحت در این موارد حرف میزنند که جای هیچ شک وشبهه ای برای کسی باقی نمی گذارند. اما در مورد رفاه و آزادی مردم سکوت میکنند و بخصوص موضوع را "میپیچانند"، چون قرار نیست که توده مردم در رفاه باشند، در اینصورت چه کسی باید کار کند! و برای اینکه مردم کار کنند و هیچی هم نگویند و چیزی نخواهند باید تا ابد نام خلیج، فارس بماند و جزایر سه گانه هم از عهد سنگی به نام ایران سند شده است و تا گردش زمین به دور خورشید بر پا است، به نام ایران است. رک گویی در مورد تمامیت ارضی هم به قول معروف "استفاده ابزاری" است برای نگه داشتن و تضمین بیشتر استثمار توده مردم.